



کتاب

الأغذية الطبية والمباحث العلاجية النحورز مشاهير

مجلد اول

www.ketabir

سرشناسه	جرجانی، اسماعیل بن حسن، ۴۳۴-۵۳۱ق.
عنوان و نام پدیدآور	الاغراض الطیبه و المباحث العلایه الخوارزمشاهی/ تألیف اسمعیل بن الحسن بن محمد الحسینی جرجانی؛ مصحح مهدی مدانی
مشخصات نشر	تهران: نوین پژوه سینا، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	۴۷۱ص
شابک	دوره ۲-۳-۹۹۱۷۷-۹۹۱۷۷-۶۲۲-۹۷۸: ج ۱ دوره ۲-۴-۹۹۱۷۷-۹۹۱۷۷-۶۲۲-۹۷۸: ج ۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران با حمایت و مشارکت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ... [و دیگران] منتشر شده است
موضوع	پزشکی اسلامی- متون قدیمی تا قرن ۱۴: داروشناسی- متون قدیمی تا قرن ۱۴: تر فارسی- قرن ۶ ق
موضوع	Medicine Islamic. Early works to 20th century; Pharmacology—Early works to 20th century; Persian prose Literature—12th century;
شناسه افزوده	مدانی، مهدی، ۱۳۲۵-، مصحح
رده بندی کنگره	۱۳۶ الف ۴/ج ۱۲۸۳ R
رده بندی دیویی	۶۱۰/۹۱۱.۷۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۰۹۲



www.novinpajooh.com
info@timpub.com

مراکز پخش: ۰۹۳۷۱۳۵۹۰۱۰ و ۰۲۱-۲۶۴۵۸۴۸۶ @n_vinpajoohesina
۰۹۱۹۰۲۴۴۵۸۵ و ۰۹۱۹۵۴۰۹۸۹۲ w.timpub.com

عنوان: الاغراض الطیبه و المباحث العلایه الخوارزمشاهی (مجلد نخست)

نویسنده: سید اسماعیل جرجانی

تصحیح و توضیح: مهدی مدانی

ناشر: انتشارات نوین پژوه سینا

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۲۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۷۷-۲-۵

این کتاب در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران منتشر گردیده است.

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب مجلد اول

الف.....	دبیاجه مصحح.....
۲.....	[خطبه کتاب].....
۶.....	فهرست مقالات کتاب.....
گفتار اول: اندر یاد کردن حدّ طبّ و موضوع و منفعت آن؛ و یاد کردن جزء علمی و عملی	
از آن؛ و یاد کردن ارکان و مزاج و اخلاط.....	۱۵.....
گفتار دوم: اندر شناختن اندام‌های بسیط.....	۴۵.....
گفتار سوم: اندر شناختن اندام‌های مرکّب.....	۷۱.....
گفتار چهارم: اندر «تشریح قوّه‌ها».....	۱۱۵.....
گفتار پنجم: اندر «شناختن تندرستی و بیماری و سبب و عرض و بیماری‌های شرکتی و مزاجی و بیماری‌ها».....	۱۳۱.....
گفتار ششم: اندر «نبض».....	۱۴۷.....
گفتار هفتم: اندر «مردن».....	۱۹۳.....
گفتار هشتم: اندر «کرم‌ها».....	۱۹۵.....
گفتار نهم: اندر «شناختن احوال تندرست و بیمار از احوال ثفل طعام».....	۲۳۹.....
گفتار دهم: اندر شناختن حال‌ها را عروا.....	۲۵۱.....
گفتار یازدهم: اندر احوال نفث.....	۲۵۹.....
گفتار دوازدهم: اندر شناختن اسباب.....	۲۶۵.....
دگر باشد طبیعی اگر ناطبیعی.....	۲۶۵.....
گفتار سیزدهم: اندر «اسباب و احوال زادن و مردن».....	۲۹۷.....
گفتار چهاردهم: اندر «تَقْدِیْمَةُ الْمَعْرِفَةِ».....	۳۰۷.....
گفتار پانزدهم: اندر «بُحْران».....	۳۵۵.....
ضمائم.....	یک تا بیست و یک.....

ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها
بر مستمندان آمدی چون بخشش و فضل خدا
هم خویش حاجت خواسته، هم خویشتن کرده روا
باقی بهانه‌ست و دغل، کاین علت آمد و آن دوا
«دیوان کبیر مولوی»

«ای رستخیز ناگهان و ای رحمت بی‌منتها
امروز خندان آمدی، مفتاح زندان آمدی
خورشید را صاحب توی اندیشه را آراسته
ای روح بخش بی‌بذل و ای لذت علم و عمل

دیباچه مصحح

بعدالحمد و الصلاة. بیش از هزار سال از عمر گرانبار و تاریخ پرافتخار زبان «فارسی دری» می‌گذرد. کاشت نهال این زبان کهنسال مقارن بود با عهد نخستین ظهور اسلام و رشد آن از اوایل قرن چهارم هجری آغاز شد و به نحوی چشمگیر طیّ قرن‌های پنجم و ششم و اوایل قرن هفتم باروری آغاز کرد و به زبان رسمی ادبی و علمی ایرانیان تبدیل شد.

سرفه آن که تکوین و رشد و توسعه زبان فارسی دری در حالی رخ می‌نمود که بر اثر سیطرهٔ روافزون اسلام و شیاع زبان عربی به عنوان زبان غالب و مسلط در سرزمین‌های مفتوحهٔ خلافت اسلامی رشد خیره‌کننده‌ای یافته و جریان و سریان این زبان توانسته بود ریشهٔ بسیاری از زبان‌های کهنسال آن ملل کهنسال و اقوام دیرپای را خشکانده و جانشین زبان‌های ملی و محلی آن شده بود که این وضع تا امروز هم ادامه دارد.

در امتداد این وضع شاید ذکر آن است که بسیاری از فضلاء فارسی زبان در زمرهٔ پیش‌آهنگان نامدار تدوین مانع‌النوی و فرهنگ‌نویسی و دستور زبان عربی قرار داشته؛ و نیز بسیاری از علمای طراز اول اسلام آثار و تصانیف فاخر و درازدامن خود را در زمینهٔ تاریخی و معارف و علوم بسری به زبان عربی نوشته‌اند و در عین حال در پناه پایمردی و همت والای رادمردانی از اهالی علمی و ادبی فارسی زبان و در امتداد رشد چشمگیر عربی‌نویسی نهال نورسته زبان فارسی دری در آغاز قرن‌های سوم تا ششم هجری به درختی برومند و گشن بدل شد.

نکتهٔ شایان ذکر دیگر آن که طیّ سده‌های نخستین گسترش اسلام در جهان بروز و ظهور نهضت ترجمه است که بنا بر تعلیمات دین اسلام و توجه و توجّه و توجّه و توجّه بزرگان این دین به کسب علوم و معارف بشری به انگیزهٔ تبادل اندیشگی و فرهنگ‌مدن‌های کهن دیگر ملل و اقوام صورت گرفت.

طریق این تبادلات و تعاملات طبعاً ترجمهٔ آثار سرآمدان فلاسفهٔ جهان به‌طور اعمّ، و آثار و مصنّفات حوزه‌های علوم پزشکی و ریاضیات و هیأت و نجوم و ... به‌طور اخصّ بود. البته این ترجمانی‌ها بنا به وضع موجود آن دوران از طریق زبان غالب مسلمانان، یعنی زبان عربی متحقّق می‌شد و این نهضت در دوران عباسیان پا گرفت و تا امروز نیز

ادامه یافت. به طوری که بسیاری از نوابغ علمی و فرهنگی عالم اسلام از قبیل شیخ الرئیس عمده و اہم آثار طبّی و فلسفی خود را به زبان عربی تصنیف کردند. هم چنین پیشتر از اینان طبری، مورّخ و مفسّر نامدار ایرانی، در قرون سوم و چهارم تاریخ مفصل طبری (تاریخ الرسل و الملوک) و تفسیر حجیم خود را به زبان عربی تألیف کرده بود، که آثار اخیر الذکر در ضمن نهضت ترجمه فارسی زبانان به زبان مادری برگردان شد. نهضت رخ نموده در قرن های چهارم و پنجم و ششم هجری توانست بر رفع این شائبه که زبان فارسی صرفاً قابلیت بیان امور ذوقی و هنری را دارا است و تاب کافی و وافی از برای بیان امور علمی را ندارد، فائق آید.

شادروان دهخدا در لغت نامه ذیل عنوان اسماعیل جرجانی (ستون دوم، سطر ۶) چنین آورده است: «... بعضی از اهل صناعت «ذخیره» را به «حاوی» رازی و «قانون» بوعلی فضیلت نهاده اند و هم از لحاظ ادب شاهکاری بی نظیر در نشر فارسی. این که بی نظیر می گویند این است که در صناعت طبّ با بسیاری فصول و ابواب و گوناگونی مباحث که آن صناعت را است، در همه جا این نویسنده به فصاحت بلعمی و بیهقی مقاصد خویش را ادا کرده است، در حالی که آن دو تنها در میان وقایع تاریخی هنر خویش نموده اند، و آثار که به سبب طغیانه جمعی مغرض فریفته شده و زبان فارسی مرکّب کنونی را برای ادامه مقاصد بلعمی کوتاه می شمارند، اگر روزی چند بدین کتاب ممارست ورزند چون آفتاب نیمروزند که لبغّت زبانی برای تعبیر مباحث علم همین زبان مرکّب است (۲) ...».

و سپس در ذیل همین مطلب در زیر نویس فرموده است:

«(۲) فاضلی ترک زبان از هموطنان معاصر متکلم به فارسی ابوریحان بیرونی زبان مرکّب فعلی بعد از اسلام را برای اداء مباحث علمی قاصر و نارسا می داند. من این گفتار بیرونی را خوانده ام، لکن اگر در «ترجمه تفسیر طبری» و «تفسیر ابوالفتوح رازی» و کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» و «ذخیره خوارزمشاهی» و «کتابان شناخت» و «جهان دانش» و «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی و «مباحث الحکمتین» و «زاد المسافرین» ناصر خسرو و «تاریخ بلعمی» و «تاریخ بیهقی» و «تاریخ سیستان» و «مجمّل التواریخ و القصص» و ... دقت کنیم می بینیم که نظم فردوسی و نثرهای علمی و ادبی و تاریخ مزبور دوش به دوش می رفته است و نیز نمی توانست باشد ... چگونه ممکن است نثر فارسی به گفته ابوریحان قاصر از اداء مقاصد علمی و ادبی باشد؟! اینک باید در صدد فحص این قول ابوریحان برآمد. در دوره ابوریحان و معاصر داهی دیگر او یعنی ابن سینا تمام علوم وقت یعنی محاورات و مکاتبات علما و ادبا و سلاطین و

اینک باید در صدد فحص این قول ابوریحان برآمد. در دوره ابوریحان و معاصر داهی دیگر او یعنی ابن سینا تمام علوم وقت یعنی محاورات و مکاتبات علما و ادبا و سلاطین و درباریان به زبان عربی بوده است، و اگر کسی از «بیرون» قریه‌ای از خوارزم و یا خرمیثن (به قولی افشنه) برای تحصیل علوم به شهر می‌آمده است از فارسی جز لهجه محلی خود را طبعاً نمی‌دانسته و محلی برای آموختن زبان عام و اصیل متداول برای او نبوده است، یعنی مستقیماً و یک سره بی‌واسطه دیگر زبان عربی می‌آموخته است. البته اگر از چنین علما یا ده‌ا ریحانه بنت الحسین الخوارزمی کتابی در نجوم و هیئت می‌خواسته و یا علاءالدوله تألیفی از کلیه علوم عقلی به فارسی تألیف می‌کرده است، برای هر دو تابعه و داهیه عصور امری مشکل و تمنای شاق بوده است، چه از فارسی هر دو داهیه لهجه محلی خود را می‌دانسته‌اند و معلومات خویش را به زبان عربی آموخته بودند...» (لغت‌نامه دهخدا).

بالاخره در پرتو نهضت پر جنب و جوش ترجمه و تألیف قرن چهارم و پنجم هجری که با تسهیل جواز ترجمه قرآن و نیز برگردان آثار پیرامنه طبری در زمینه‌های تاریخ و تفسیر یعنی تاریخ العرب و المارک به همت بلعمی و ترجمه گروهی تفسیر او بنا به تشویق و پشتیبانی دولت داری، به فارسی انجام گرفت.

در خلال این دوران خنجره اثر بود که عالمان دانشمندی از قبیل اخوینی به تصنیف کتاب «هدایة المتعلمین فی طب» که از جمله کتب متوسط علم طب است؛ و نیز موفق هروی در آغاز قرن پنجم هجری کتابی در داروسازی به نام «الابنیه عن حقایق الادویه» به زبان فارسی تألیف شد. این سال آغاز بود بر طلوع اختران تابناکی در آسمان علم و فرهنگ و ادب ایران و زبان فارسی. میر سید اسماعیل جرجانی طبیب عالی‌مقدار قرون پنجم و ششم.

پایان مقال آن که از برای شناخت جایگاه ریژه سید جرجانی در میان فحول دانشمندان و نخبگان اهل علم ایران مقام وی را می‌توان با منزلت حکیم ابوالقاسم فردوسی به عنوان احیاگر زبان فارسی، در بین سخن سران عرصه ادب و فرهنگ زبان فارسی دری قیاس کرد بدین نحو که اگرچه پیش از فردوسی بسیاری نظیر رودکی و دقیقی و... از پیشروان قافله شعر و فرهنگ زبان فارسی بودند، اما فردوسی را قافله‌سالار این کاروان باید دانست، و بر همین قیاس اگرچه اخوینی و «هدایه» اش و موفق هروی و «ابنیه» اش از متقدمان مؤلفان و از اهم مؤلفات علم پزشکی (پزشکی) بوده‌اند، اما سید و آثار او را از حیث بساطت و احتوای بر همه مباحث علم پزشکی در زبان فارسی فصل الخطاب و شاهکار این آثار و واسطه العقد این رشته و رسته علمی می‌توان دانست.